



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

جلسه سی و هشتم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۹/۹/۴ (فقه معاصر - جلسه پنجم)

بحث ما دربارهٔ رمزپول‌ها و پول‌های رقومی یا دیجیتالی بود و برای اینکه ماهیت این پول‌ها روشن شود تعریفی از پول، و مال و ویژگی‌های آن دو و نیز سیر تاریخی پول را بیان کردیم و گفتیم که پول می‌تواند دو نوع باشد؛ پول با ارزش ذاتی و پول با ارزش اعتباری. و به اینجا رسیدیم که پول‌های اعتباری هرچند برهه‌ای از زمان نماینده مقداری از پول طلا و نقره و یا مطلق طلا و نقره بودند، اما این نمایندگی در طول زمان دستخوش تغییراتی شد تا آنجا که حداقل در پاره‌ای از کشورها به هیچ‌وجه رابطه‌ای بین پول رایج و ذخائر طلا و نقره نیست و دارندهٔ پول اعتباری از نظر حقوقی و قانونی نمی‌تواند با ارائه پول از مؤسسه ناشر آن تقاضای طلا یا نقره یا چیزی مشابه آنها نماید.^۱

به هر حال بسیاری از کشورهای مهم رابطه بین پول و آنچه به عنوان پشتوانه مطرح بود را به طور کامل قطع کردند و فی‌الواقع هم این رابطه باید حذف می‌شد که بعضی ادله آن را در ضمن مطالب ذکر کردیم و نیز به خاطر اینکه حدس زده می‌شود حجم طلا و نقره موجود، تناسبی ندارد با حجم تولیدات اعم از کالا و خدماتی که امروزه با پیشرفت بشر پدید آمده است؛ به این معنا که تولیدات بشر بیش از مقدار طلا و نقره در دسترس است و اگر بشر بخواهد تمام مبادلات را با طلا و نقره محقق کند، حجم این دو فلز کفاف نمی‌دهد و نیاز بشر بسیار فراتر از آن است.^۲

۱. و به قول یکی از اقتصاددان‌ها اگر کسی مثلاً یک صد دلاری داشته باشد و آن را به بانک مرکزی آمریکا ببرد، نهایت لطفی که به او می‌کنند این است که اگر آن پول کهنه و پاره شده باشد با اسکناس دیگری تعویض کنند و الا مؤسسات ناشر اسکناس هیچ تعهد دیگری قانوناً و حتی عرفاً نسبت به دارندگان اسکناس ندارند.

۲. البته امروزه هم بعضی پیشنهاد می‌کنند که پول طلا و نقره رایج شود، منتها همان‌طور که اشاره کردیم حجم طلا و نقره موجود در جهان که می‌تواند تبدیل به سکه شود، جوابگوی نیازهای مبادلاتی نیست. علاوه آنکه مشکلات سنگینی و جابجایی و امثال اینها را هم دارد.

اما این سؤال باقی می ماند با وجود اینکه رابطه بین پول و آنچه به عنوان پشتوانه مطرح بود به طور کامل قطع شد، چه شد که مردم هم چنان به این پول ها اعتماد کردند؟

در جواب می گوییم: همانطور که سابقاً توضیح دادیم قبل از اینکه این رابطه حقوقی قطع شود، خود این پول های اعتباری ارزش پیدا کرده بودند؛ به این معنا که هرچند از لحاظ حقوقی نمایندگی از مقداری طلا یا نقره داشتند، اما از **لحاظ عرفی مستقل** شده بودند و نمایندگی از مقداری طلا یا نقره فقط حیثیت تعلیلیه بعیده برای ارزش آنها بود؛ به گونه ای که حیثیت پشتوانه ای اصلاً مد نظر نبود. لذا وقتی آن رابطه حقوقی به طور کامل قطع شد، رابطه معاملی قطع نشد و مردم هم چنان به آن پول ها اعتماد کرده و معاملات خود را به وسیله آنها انجام دادند.

البته منحصر شدن مراکز نشر پول در دست دولت ها یا مؤسسات وابسته به آنها و کنترل حجم پول در گردش و جلوگیری از انتشار بی رویه آن و همچنین اجبار طلبکاران بر پذیرش پول کاغذی اعتباری به عنوان آدای دین و اموری نظیر اینها و نیز با توجه به اینکه برگشت به پول طلا و نقره تقریباً ناممکن و غیرممید بود، مجموع این عوامل موجب شد که مردم به این پول های اعتباری بعد از حذف رابطه پشتوانه ای اعتماد کنند و بگویند هرچند اگر کسی مثلاً به فدرال رزرو آمریکا مراجعه کند در مقابل مقداری دلار، حجم معینی از طلا به او نمی دهند، اما می توان با همین اسکناس از بازار طلا تهیه کرد و آن را وسیله مبادله و نیز وسیله ذخیره سازی ارزش قرار داد و همه خواص پول را می تواند داشته باشد به اضافه سهولت نقل و انتقال و مزایای دیگری که بر پول های اعتباری مترتب است. و از میان این عناصر، دو عنصر مهم تر بود؛ یکی اینکه افراد جامعه وسیله تبادلی می خواستند که ارزش آن ولو فی الجمله تضمین شده باشد و دیگر اینکه انتقال آن آسان باشد. و همان طور که اشاره شد، در حقیقت قدرت خریدی که برای این پول با سازوکارهای مذکور تضمین شده بود، حیثیت تعلیلی اعتبار آن گشت و در حقیقت پشتوانه این پول، قدرت دولت و فراوانی کالا و خدمتی است که توسط آن میسر بود و نیز تسهیلاتی که نسبت به این امور توسط دولت ها عملی می شود.

البته مردم در ابتدا مقداری نگران بودند، اما به تدریج این نگرانی برطرف شد. کما اینکه در سطح بین المللی نیز وقتی رابطه طلا و دلار قطع شد، هرچند دولت هایی که ذخایر دلاری داشتند مقداری ضرر کردند و دیگر نمی توانستند حجم معین طلای تعهد شده را از آمریکا در مقابل آن دلارها دریافت کنند، اما چنین نبود که دلار بی ارزش شده باشد بلکه چون اقتصاد آمریکا در آن زمان قوی بود و اجناس بسیاری را

می‌توانست ارائه بدهد و دولت‌ها می‌توانستند در مبادلات با آمریکا و نیز مبادلات بین‌المللی از دلار استفاده کنند و کالاها و خدمات مورد نیاز خود را خریداری کنند، لذا به این روش اعتماد کردند و این کار نه تنها موجب از صحنه خارج شدن دلار نشد، بلکه چه‌بسا موجب تقویت آن هم شد.

به هر حال بسیاری از کشورها رابطه بین پول و آنچه که به عنوان پشتوانه مطرح بود را به‌طور کامل حذف کردند و همان‌طور که اشاره شد تنها یک سیستم مرکزی در هر کشوری وجود دارد که مقدار پول در گردش جامعه را کنترل کرده و محاسبه می‌کند که افزایش یا کاهش حجم پول چه آثاری دارد؛ مثلاً تئوری مقداری پول 3 « $mv=pt$ » بیان می‌کند سطح قیمت‌ها رابطه مستقیمی با حجم پول دارد. m یعنی پول و v یعنی سرعت گردش پول و تعداد دفعاتی که پول در طول سال دست به دست می‌شود. p یعنی متوسط قیمت‌ها و t یعنی مجموع کالاها و خدمات^۴. این نظریه هرچند دچار بحث‌های زیادی شده و واقعاً نقص‌ها و اشکالاتی دارد، ولی فی‌الجمله روشن است که اگر سرعت گردش پول در جامعه ثابت باشد و تولیدات کالا و خدمات هم ثابت باشد، رابطه مستقیمی بین حجم پول و متوسط قیمت‌ها وجود دارد؛ به این معنا که هر چه حجم پول بالا برود، متوسط قیمت‌ها هم بالا خواهد رفت^۵؛ در نتیجه دولت‌ها اگر بخواهند برای تأمین هزینه‌های خود به چاپ اسکناس بیشتر روی بیاورند و به حجم پول در گردش بیفزایند، موجب تورم در جامعه می‌شود؛ چراکه عرضه پول اضافه می‌شود اما تولید کالاها و خدمات فرضاً ثابت می‌ماند یا به همان مقیاس اضافه نمی‌شود. لامحاله موجب گرانی و تورم می‌شود. و اگر در این حالت سرعت گردش پول هم اضافه شود، تورم مضاعف خواهد بود. بله، اگر اقتصاد در ظرفیت اشتغال کامل نباشد، چه‌بسا افزایش حجم پول موجب افزایش تولیدات شود و مقداری اثر تورمی را خنثی کند، اما اگر حجم پول در گردش غلبه پیدا کند، گرانی و تورم را در پی دارد. و اینها بحث‌های اقتصادی پیچیده‌ای دارد که باید در جای خود بحث شود.

به‌هرحال در دراز مدت مردم متوجه شدند این پول‌ها هرچند مزایای بسیاری دارد، اما آسیب‌هایی را هم متوجه آنها می‌کند؛ زیرا اختیار نشر این پول‌ها در دست دولت یا مراکز وابسته به دولت است که مستقیماً

Quantity theory of money ^۳

کسی که این تئوری به نام او مشهور شده، یک اقتصاددان به نام فیشر است که به این تئوری معادله فیشر نیز می‌گوید.

total product ^۴

۵. عملاً هم چنین است که وقتی حجم پول به هردلیلی با نشر اسکناس اضافی و یا مثل آن مانند قدرت پول آفرینی بانک‌ها یا انتشار پول‌های تحریری و شبه پول‌ها مثل اوراق قرضه و اوراق مشارکت، تورم پدید می‌آید و سطح عمومی قیمت‌ها بالا می‌رود.

ربطی به مردم ندارند و در نتیجه دولت‌ها هر وقت در تنگنا قرار می‌گیرند و یا مصلحت کلی کشور را - به درست یا غلط - چنین تشخیص می‌دهند، اقدام به چاپ اسکناس و روانه کردن پول بیشتری به بازار می‌کنند و با این کار هرچند کسری بودجه خود را تأمین می‌کنند و مشکلات خود را به حداقل می‌رسانند، اما همان‌طور که اشاره کردیم بر اساس نظریه مقداری پول که فی‌الجمله صحیح است، قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد؛ زیرا رابطه مستقیمی بین حجم پول در گردش و سطح عمومی قیمت‌ها وجود دارد و افزایش حجم پول، موجب تورم می‌شود که عوارض زیادی دارد و واضح‌ترین عارضه‌اش آن است کسانی که ذخیره پولی دارند، متحمل ضرر می‌شوند و با تورم و بالا رفتن قیمت کالا و خدمات، قدرت خریدشان افت می‌کند؛ مثلاً اگر کسی یک میلیون دلار پس‌انداز داشته باشد و تورم جامعه در حد بیست درصد باشد، به این معناست که بیست درصد قدرت خرید دلار پایین آمده و آن فرد دیگر نمی‌تواند قدرت خرید قبلی را داشته باشد. و بالعکس کسی که جنس داشته و جنسش مثلاً صد دلار ارزش داشته، الان گران شده و صد و بیست دلار ارزش دارد و در نتیجه تورم موجب برهم خوردن تعادل و توازن اقتصادی می‌شود و تولیدکنندگان نمی‌توانند پیش‌بینی درستی برای تولید باصرفه داشته باشند؛ خصوصاً با توجه به اینکه حجم پولی که اضافه می‌شود و دفعات پولی که با نشر اسکناس جدید یا شبه اسکناس مانند پول‌های تحریری و امثال آن محقق می‌شود، قابل پیش‌بینی حتی چه‌بسا برای خود دولت‌ها نیست و این موجب سردرگمی و عدم امکان تصمیم‌گیری برای تولیدکننده می‌شود.

در سطح بین‌المللی نیز مشکلاتی را می‌تواند ایجاد کند. وقتی کشوری ارزش پولش پایین بیاید، ترازنامه تجاریش با کشورهای دیگر می‌تواند مثبت شود و تراز دیگر کشورها که قیمت ارز آنها ثابت مانده منفی شود؛ زیرا وقتی قیمت ارز کشوری پایین می‌آید، صادرات آن کشور به کشورهای دیگر بیشتر می‌شود و در مقابل وارداتش از کشورهای دیگر که قیمت ارزششان بیشتر است کمتر می‌شود و این موجب کاهش صادرات آن کشورها و افزایش وارداتشان می‌شود و کسری تراز پرداخت‌های بین‌المللی پیدا می‌کنند و در نتیجه اقتصاد آنها آسیب می‌بیند.

و گاهی این مشکلات از مسئله تورم گذشته و موجب اختلال در تولید می‌شود؛ زیرا اگر تورم افسار گسیخته باشد یا اقتصاد در ظرفیت کامل باشد و یا زیربناهای اقتصادی آماده نباشد تا با بالا رفتن قیمت‌ها بتوانند تولیدات را بیشتر کنند، در این شرایط ممکن است اقتصاد گرفتار تورم و رکود همزمان شود؛ زیرا چه‌بسا قیمت عوامل تولید هم در کنار قیمت کالاها رشد داشته باشد به حدی که تورم نتواند پاسخگوی

افزایش هزینه‌های تولید باشد، خصوصاً در جایی که اتحادیه‌های کارگری و امثال آنها با چانه‌زنی‌های جمعی، قیمت‌های کار را بالا می‌برند، و در نتیجه تورم و رکود همزمان می‌شود. و علاوه بر مشکلاتی که توسط دولت‌ها و مراکز انحصاری نشر پول پدید می‌آید، بانک‌ها و مؤسسات پولی نیز با ارائه پول‌های تحریری و شبه پول‌ها و خاصیت پول‌آفرینی که بر آن‌ها مترتب بود، مشکلات ذکر شده را افزون می‌کرد.

بله، اگر تورم کنترل شده باشد و اقتصاد در ظرفیت کامل اشتغال نباشد، چه‌بسا تورم موجب بالارفتن تولید بیشتر و رونق اقتصادی شود؛ زیرا وقتی تولیدکننده می‌بیند اجناس گران شده، انگیزه تولیدش بیشتر می‌شود در حالی که هزینه تولیدش به اندازه بالارفتن قیمت اجناس بالا نمی‌رود، لامحاله تولید به صرفه می‌شود و درآمد بیشتری کسب می‌شود و حتی می‌تواند اندکی دستمزدها را افزایش دهد، و وقتی درآمد بالا رفت و دستمزدها و هزینه‌های دیگر بالاتر رفتند، لامحاله قدرت خرید مردم بیشتر می‌شود، و در نتیجه فروش تولید کننده و درآمد او بیشتر می‌شود و همان‌طور که در اقتصاد تبیین شده، ضریب فزاینده اقتصاد رو به رشد می‌رود تا به ظرفیت کامل برسد. البته بعضی‌ها در اینجا مناقشاتی دارند، منتها تجربه نشان داده چنین است که گفتیم.

بنابراین به خاطر این مشکلاتی که وجود داشت، بشر به فکر راه حلی و ابداع پولی افتاد که از یک طرف **مشکلات پول طلا و نقره** را نداشته باشد - چراکه گفتیم اولاً حجم طلا و نقره موجود در جهان کم است و جوابگوی نیازهای اقتصادی دنیای صنعتی و پیشرفته امروزی نیست و ثانیاً نقل و انتقالات و نگهداری آن مشکلات فراوانی را دارد - و از طرف دیگر **معایب پول‌های اعتباری** را هم نداشته باشد. و وقتی عده‌ای به این مطلب توجه کردند که بشر به پولی اعتماد کرده که هیچ ارزش ذاتی ندارد^۶، بلکه ارزشش اعتباری بوده و نشر و کنترل آن هم به طور عمده در دست کسانی است که آحاد استفاده کنندگان پول بر آن افراد هیچ تسلطی ندارند - مگر احیاناً به طور غیر مستقیم و مثلاً از طریق انتخابات و رأی دادن به افرادی که

۶. همانطور که توضیح دادیم پول کاغذی با صرف نظر از قدرت تبادلی آن، هیچ ارزش ذاتی ندارد و اگر یک صد دلاری را کنار صدتومانی بگذاریم، از لحاظ ارزش ذاتی هیچ تفاوتی با هم ندارند و فقط چه‌بسا اندازه کاغذ و نقش و نگارهای آن متفاوت باشد و حتی ارزش آنها کمتر از یک کاغذ یادداشت معمولی است چراکه نمی‌توان به عنوان کاغذ یادداشت از آن استفاده کرد. به هر حال ارزش پول‌های کاغذی فقط به جهت قدرت تبادلی این پول‌هاست. بدین جهت اگر اسکناس کاغذی کهنه یا مندرس شده باشد، می‌توان با مراجعه به بانک آن را تعویض کرد.

امروزه اسکناس‌های کاغذی، رایج‌ترین نقد هستند و ارزش اعتباری آنها هم ناشی از اعتماد مردم به این پول‌هاست و اعتماد مردم هم همانطور که گفتیم ناشی از حمایت دولت [و بعضی جهات دیگر است] و این حمایت دولت هم به عنوان یک حیثیت تعلیلیه برای ارزش پول اعتباری کاغذی است. لذا اگر چیزی بتواند همان حمایت را ایجاد کند؛ به این معنا که نشر پول را در جایی متمرکز، و حجم آن را محدود کند و در عین حال اعتماد مردم را جلب کند، آن شیء هم پول می‌شود هرچند دست دولت نباشد.

سیاست‌های تورمی و ضد انبساط پولی دارند، بتوانند تا اندازه‌ای در این زمینه تأثیرگذار باشند - لذا با خود اندیشیدند که اگر بتوانیم اعتباری را خلق کنیم که بتواند اعتماد جامعه را جلب کند و محدودیت‌های پول طلا و نقره را نداشته باشد و مشکلات پول‌های اعتباری وابسته به مراکز خاص را هم نداشته باشد، پولی مفیدتر خواهد بود.

بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی و تأثیرات مخرب آن در بخش‌های عمده‌ای از جهان، این فکر را تشدید کرد و ترس از رکود و عقب ماندن از قافله رشد و توسعه اقتصادی و تأمین هزینه‌های فزاینده، دولت‌ها را بر آن داشت که هرچه بیشتر اسکناس‌های اعتباری را روانه بازار کنند و همانطور که گفتیم این عملکرد هرچند فوایدی در بر داشت ولی در کنار آن، آسیب‌های فراوانی را نیز به همراه می‌آورد پس بهتر است پولی تولید شود که بتوان از آن چنین بهره‌برداری‌های غیرمنصفانه کرد. بنابراین شرایط جدید اقتضاء می‌کرد که پول جدید، علاوه بر آن‌که مشخصات عمومی که یک پول دارد، باید شرایط ذیل را هم داشته باشد:

اولاً: اعتباری محض باشد. ثانیاً: تحت استیلاء شخص، گروه، شخصیت حقوقی یا حتی دولت یا نهاد بین‌المللی نباشد که احیاناً در تنگناها از آن سوءاستفاده کنند. ثالثاً: متناسب با فن‌آوری روز دنیا باشد.

و با توجه به فناوری‌های جدید و توفیق‌های فوق‌العاده‌ای که توسط برنامه‌ریزی‌ها و برنامه نویسی‌های متعدد کامپیوتری پیدا شد، به ذهن آنها خطور کرد که هیچ چیز برای این کار بهتر از نرم‌افزارها و برنامه‌های کامپیوتری نیست.^۷

۷. کامپیوتر و صفر و یک آن، غوغایی در جهان به پا کرده است و می‌توان خیلی از کارها را از طریق آن انجام داد. من گاهی صفر و یک نرم افزار کامپیوتری را به آرایش اتمی اشیاء تشبیه کردم. این همه صنایع بدیع که در عالم خلقت می‌بینیم از دریا، صحرا، آسمان، پاییز و زمستان، سبز و زرد و قرمز و سفید و انسان و حیوان و سایر اشیاء، اگر همه اینها را بشکافیم به اتم برمی‌گردد و اتم هم به نوترون و پروتون و آرایش آنها برمی‌گردد. و این آرایش اتمی است که موجب می‌شود یکی اکسیژن، یکی هیدروژن، یکی روی، یکی مس و ... شود. و به این سادگی نمی‌توان آرایش اتمی را به هم زد و عنصری را تبدیل به عنصر دیگری کرد؛ مثلاً مس را تبدیل به طلا کرد. بلکه تغییر آرایش اتمی خیلی سختی و هزینه دارد و معلوم هم نیست به صرفه باشد و بشر هنوز نتوانسته به سادگی آن را انجام بدهد مگر در بعضی فعل و انفعالات شیمیایی که خب آن معلوم است.

کما اینکه عالم الفاظ نیز چنین است و قرآن کریم که معجزه است، از همین حروف تشکیل شده است و همانطور که بعضی‌ها گفتند، یکی از نکات اینکه بعض سوره‌ها با حروف مقطعه شروع شده، لعل به خاطر تنبیه بر این مطلب باشد که این قرآن از همان الف و باء و سایر حروف که همه می‌توانند تلفظ کنند تشکیل شده است، و از همین حروف، ما قرآن معجزه را درست کردیم. کما اینکه اگر از آن سطح بسیار عالی پایین بیاییم، چیزهایی که در سطح پایین هستند مانند دیوان حافظ، بوستان سعدی یا گلستان، باز از همین حروف تشکیل شده‌اند. عالم کامپیوتر هم چنین است که هرچند از صفر و یک تشکیل شده است، اما آرایش این صفر و یک می‌تواند چیزهای بدیعی را در عالم کامپیوتر و برنامه‌های کامپیوتر ارائه کند، نظیر بدایعی که در کلمات ادبا از ترکیب حروف پدید می‌آید یا بدایعی که از تغییر آرایش اتمی اشیاء در طبیعت و تکوین به وجود می‌آید.

بدین جهت بود که عده‌ای به فکر ایجاد پول دیجیتالی یا رقومی افتادند که برخی شروع این فکر را به اوائل دهه ۱۹۸۰ میلادی بازمی‌گردانند که گفته شده دو نفر به نام‌های «دیوید جام» و «استفان برنذر» در سال ۱۹۸۳، مقاله و روش‌هایی برای پول الکترونیک ارائه کردند. تا اینکه در سال ۱۹۹۸، اولین اندیشه‌های پول مجازی رمزگذاری شده و غیرمتمرکز به منظور رهایی استفاده از مراکز پولی مرسوم ارائه شد، ولی این قضیه همچنان یک حالت خمودی داشت تا اینکه در سال ۲۰۰۸ میلادی، شخص یا اشخاصی و حتی نهادهای مجهول الهوية تحت نام احتمالاً مستعار «ساتوشی ناکاموتو» که یک نام ژاپنی است، مقاله‌ای تحت عنوان «بیت کوین، پول الکترونیک هم‌تا به هم‌تا»^۸ ارائه داد و در آن پیشنهاد مشخصی برای پول دیجیتالی و رمزی ارائه کرد. و گفته شده عملاً در ژانویه سال ۲۰۰۹، اولین شبکه بیت کوین عرضه شد.

بیت کوین هدفش این بود که پول اعتباری که متجسد در اسکناس‌های کاغذی است و احیاناً سکه‌های فلزی که ارزش ذاتی چندانی نداشتند آن هم در آن حجم اندک، این ارزش اعتباری را منتقل به عالم نرم‌افزار کند و نواقص آنها را هم اصلاح کند - که گفتیم عمده مشکل اسکناس‌های کاغذی این بود که امتیاز انحصاری نشر آنها، مستقیم یا غیرمستقیم در اختیار دولت‌ها بود و دولت‌ها با افزایش حجم پول، موجب آسیب عده‌ای می‌شدند هرچند ممکن بود منفعی هم برای عده‌ای یا حتی برای عموم ملت داشته باشد - و برای رسیدن به این هدف، دو محور داشتند: یکی استفاده از برنامه رمزگذاری کامپیوتری که متقلبین نتوانند پول تقلبی درست کنند. دوم استفاده از تکنولوژی بلاک چین یعنی زنجیره بلوکی که هم می‌تواند امنیت این پول اعتباری را بالا ببرد و هم به نوعی تمرکز زدایی کند و اعتبار پول را در طول زمان حفظ کند.

۸. «بیت» یعنی کوچک‌ترین واحد برنامه نویسی کامپیوتری که متشکل از همان صفر و یک است. و «کوین» یعنی سکه. «پول الکترونیک» هم که معنایش معلوم است. «هم‌تا به هم‌تا» را هم بعداً توضیح خواهیم داد که مقصود چیست.